

معلم باید خودش پژوهش کند!

پای صحبت حسن فریدی، آموزگار نمونه کشوری

محمدصادق دهنادی



رغم تفاوت دیدگاه‌ها امروزه دانش‌آموز می‌تواند معارف و قرآن را از مراجع متنوعی بیاموزد.

به‌نظر من در این سال‌ها بیشترین سرمایه‌گذاری‌های فرهنگی مختلف را در راستای محتوای دروس و معارف قرآن شاهد هستیم و به همین دلیل، صرف‌نظر از اینکه در این روزگار تدریس قرآن و معارف پیچیده یا ساده شده است باید بدانیم که این مسائل در کشور ما از راه‌های مختلف ارائه می‌شود و دانش‌آموز می‌تواند از روش‌ها و راه‌های مختلف با این مسائل آشنا شود و درباره آن‌ها دغدغه و سؤال داشته باشد.

در این میان برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش به‌رغم ایراداتی که ممکن است بر آن وارد باشد، به سمت توسعه و بهبود تدریس و تفهیم دروس معارفی پیش می‌رود. امروزه اگر بخواهیم به دیده انصاف به مسائل نگاه کنیم انبوهی از فعالیت‌های مختلف را در کشور در همین سمت و سو می‌بینیم. خود من حداقل در ۳۵ همایش ملی و بین‌المللی با محوریت این موضوع شرکت کردم که فکر نمی‌کنم در جای دیگری این امکان فراهم باشد. یا برای مثال، وقتی شما به مؤسسه نور در شهر قم می‌روید، از انبوه نرم‌افزارهای تولید شده معارفی حیرت می‌کنید. این برای ما که می‌خواهیم روی تربیت نسل جدید فعالیت کنیم سرمایه کمی نیست.

حسن فریدی (معلم نمونه) متولد یکی از روستاهای شیروان از استان خراسان شمالی است. وی از سال ۱۳۷۲ با آموزگاری دانش‌آموزان دورافتاده‌ترین روستاهای خراسان، فعالیت خود را در آموزش و پرورش آغاز کرده و سپس تحصیلات خود را در دوره کارشناسی در رشته الهیات ادامه داده و توانسته است با کسب رتبه عالی، کارشناسی ارشد را در رشته فقه و مبانی حقوق از دانشگاهی در شهر سبزوار اخذ نماید. فریدی پس از بیست و یک سال آموزگاری، به تازگی در معاونت پرورشی مجموعه آموزشی شهید چمران شیروان به فعالیت‌های تربیتی پرداخته و معتقد است امر پرورش هیچ‌گاه از قرآن و معارف اسلامی جدا نیست. فرصتی فراهم نموده‌ایم تا تجربیات او را چراغ راه همکاران نماییم.

■ آقای فریدی، در سال‌های اخیر، رشد جامعه اطلاعاتی و فناوری‌های نوین، باعث شده است اندیشه‌های متفاوتی در جامعه اشاعه یابد. به همین دلیل برخی از آموزگاران معتقدند تدریس برخی دروس به‌ویژه در حوزه‌های معارفی بسیار سخت شده است. آیا با این گزاره موافقت می‌کنید؟

امروزه ارتباطات به کمک آموزش و پرورش آمده است تا به مدد شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی و همچنین رسانه‌های دیگر در آموزش‌های مختلف عمومی تحولاتی به وجود آید و به همین دلیل به

مشکل اساسی ای که ما با آن روبه‌رو هستیم نبودن هماهنگی‌های لازم جهت معرفی و اطلاع‌رسانی این امکانات است.

من در همین مؤسسه نور، گلایه کردم و گفتم که برای مثال، من یک معلم و محقق در خراسان شمالی، چگونه باید از فلان نرم‌افزاری که امکان استفاده از چند صد کتاب در آن فراهم شده است، اطلاع پیدا کنم؟

مشخص است که با فقدان این اطلاع‌رسانی، نیروهای خارج از چارچوب و خارج از کشور فضا را مناسب ببینند و برای اینکه نشان دهند نسل آینده، اعتقادات خوبی ندارد می‌آیند پدیده دین‌ستیزی و دین‌گریزی جوان‌ها را مطرح می‌کنند و روی آن مانور می‌دهند. این در حالی است که به رغم همه مشکلات، امروزه بیشترین تعداد حافظ و قاری قرآن در کشور تربیت شده‌اند و بعضاً با گذراندن دوره‌های تخصصی به کشورهایی که زبان مادری‌شان عربی است تنه می‌زنند و گاهی از آن‌ها هم در این موضوع جلوترند.

■ **بر همین اساس، مهم‌ترین چالش‌های حوزه تدریس قرآن و معارف اسلامی در شرایط کنونی را چه چیزی می‌دانید؟**

پیرو همین مشکل اطلاع‌رسانی که من عرض کردم، چالش ما برای به‌روز بودن هم از همین نقطه شروع می‌شود. وزارت آموزش و پرورش معمولاً در اکثر درس‌ها، دوره‌های ضمن خدمت و کارگاهی برگزار می‌کند تا آموزگاران بتوانند همواره چند قدم از دانش آموز جلوتر باشند. اما منطقی که عمدتاً به ما ارائه می‌شود این است که معلم در دروس معارفی باید خودش پژوهش کند. این در حالی است که پژوهش و به‌روز بودن در درس قرآن و معارف، علاوه بر انگیزه‌های شخصی معلم، به برنامه‌ریزی سیستمی مستمر نیاز دارد. معلم باید به‌طور منظم و مستمر در کارگاه‌هایی شرکت کند تا در آن‌ها از جدیدترین دستاوردهای نرم‌افزاری و تولیدات فرهنگی مطلع شود و درباره مسائل جدید با استادان فن گفت‌وگو کند. ما متأسفانه در این زمینه از سایر گروه‌های درسی عقب‌تریم.

■ **اگر قرار باشد که این دوره‌های ضمن خدمت جدی‌تر گرفته شود، به نظر شما آموزش یا بهتر بگوییم بازآموزی در چه موضوعاتی اولویت دارد؟**

با توجه به اینکه افتخار خدمت در «استاد اقامه نماز» را هم داشته‌ام باید بگویم امروز پرداختن به جوانب مختلف موضوع نماز، از اولویت خاصی برخوردار است. موضوع حجاب و امر به معروف و نهی از منکر هم از مواردی است که احتیاج به

دوره‌های تخصصی دارد و شبهات آن‌ها، به‌ویژه برای نسل نو، باید حل شود. در همین دو موضوع اخیر، کشور سال‌هاست که هزینه‌های سنگینی را در بخش انتظامی و امنیتی می‌پذیرد، در حالی که به راحتی می‌تواند با هزینه کردن این سرمایه‌ها در آموزش و پرورش، به جای وزارت کشور و نیروی انتظامی به شدت از ابعاد مشکلاتی که ایجاد شده است و می‌شود، بکاهد.

■ **آقای فریدی، شما چند سال پیاپی به‌عنوان معلم نمونه شهرستان، استان و کشور برگزیده شدید، رمز این موفقیت مهم را در چه می‌دانید؟** مهم‌ترین اصلی که برای من وجود دارد و اگر توفیقی هم هست، براساس همان اصل است، ایجاد یک کلاس پویا و تربیت شاگردان پرسشگر است. این مهم هیچ‌گاه بدون پژوهشگر بودن معلم فراهم نمی‌شود. امتیازی که باعث شد، من به‌عنوان معلم نمونه برگزیده شوم همین پژوهش‌ها و تحقیقات است.

در نظام آموزش و پرورش ما الزامی به این امور نیست اما پرداختن به امر پژوهش می‌تواند به معلمان برای کسب موفقیت و تأثیرگذاری بیشتر کمک کند.

■ **پیشنهاد شما برای معلمان که در حوزه‌های معارفی تدریس می‌کنند در عرصه کلاس‌داری چیست؟**

مشخصاً به همکاران پیشنهاد می‌کنم که از ظرفیت‌های پژوهشی خودشان و همچنین از امکاناتی که در بیرون وجود دارد بهره‌مند شوند و صرفاً به ضبط و پخش اکتفا نکنند.

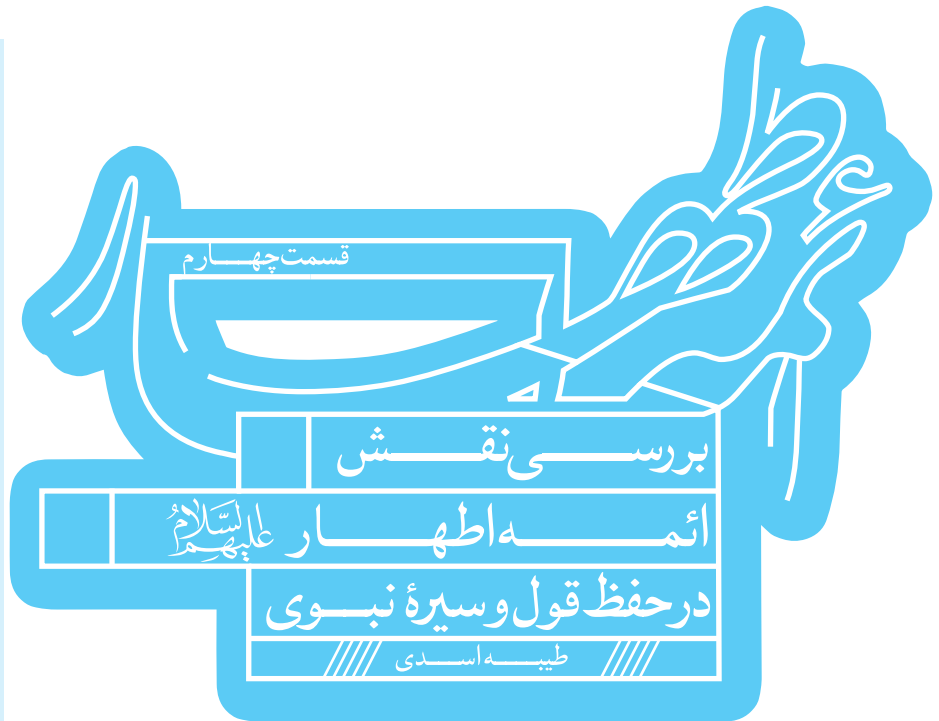
به‌ویژه بهره بردن از زمینه‌های طبیعی راه‌حل بسیار مناسبی برای جلوگیری از آفت روزمرگی برای کلاس‌های دینی است. ظرفیت طبیعی یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌ها و کمک‌هایی است که در وضعیت یادگیری می‌تواند تحول‌آفرین باشد.

■ **به‌عنوان آخرین سؤال، از مسئولین محترم آموزش و پرورش چه انتظاری دارید؟**

همان‌طوری که ما معلمان را به پژوهش ترغیب و توصیه می‌کنیم؛ مسئولان نیز لازم است زمینه‌های لازم را برای تشویق آموزگاران به این مهم فراهم سازند. من آموزگاری را می‌شناسم که هفت کتاب نوشته بود و آن‌ها را به هزینه‌های شخصی آماده و روانه بازار نشر کرده است اما آموزش و پرورش واقعاً نتوانسته به او کمک کند.

درخصوص تأمین هزینه‌های پژوهش هیچ کمکی از سوی آموزش و پرورش صورت نمی‌گیرد و این خود از عواملی است که معلم را در پژوهش بی‌انگیزه می‌سازد.

به رغم همه مشکلات، امروزه بیشترین تعداد حافظ و قاری قرآن در کشور تربیت شده‌اند و بعضاً با گذراندن دوره‌های تخصصی به کشورهای عربی است تنه می‌زنند و گاهی از آن‌ها هم در این موضوع جلوترند



در آخرت اعتقاد داشتند و دلیل آنان در اثبات عقیده خود استدلال به آیه ۱۱ سوره نجم بود که می فرماید: «وَلَقَدْ رَأَوْهُ نَزْلَةً أُخْرَى» (النجم/۱۳). امام رضا علیه السلام در پاسخ به این گروه فرمودند آیه دیگری است که می فرماید: ما كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى (النجم/۱۱)، یعنی دل دروغ نگفت آنچه را دید و پس از آیه فوق، آیه بعدی می فرماید: لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (النجم/۱۸): پیامبر پاره‌ای از آیات بزرگ‌تر پروردگارش را دید. و روشن است که دیدن آیات پروردگار چیزی جز خود پروردگار است. (حیات فکری امامان شیعه: ۴۵۵-۴۵۴) گام بلند امام در رفع شبهات در خصوص قرآن و ارائه فهم صحیح از قرآن از فعالیت‌های مهم فرهنگی امام در عصر خود به‌شمار می‌رود.

۲. دوران فکری و عقیدتی امام جواد علیه السلام با توجه به وجود رشد جریانات فکری فرق مختلف اسلامی، دوران حساسی است. مباحث مختلف در بین خود شیعیان، اهل سنت و سایر گروه‌ها، فهم از قرآن و سنت را دچار مشکل کرده بود. اما حضور امام در محافل و پاسخ‌گویی به سؤالات در این خصوص گره‌گشا بود و حقیقت را بر همگان آشکار می‌ساخت. در سیاست خلفای عباسی بعضاً امام جواد علیه السلام به مناظرات فقهی، کلامی، .. کشانده می‌شد و آنان می‌کوشیدند با تشکیل جلسات مناظره با امام علیه السلام و رویارویی امام با برخی از دانشمندان بنام زمان، امام را در پاسخ به سؤالات ناتوان نشان دهند و اعتقاد شیعیان را در این خصوص (علم امام) سست کنند. در یکی از مناظرات یحیی بن اکثم مسائلی را درباره فضائل خلفا ذکر می‌کنند و می‌گویند: در روایتی چنین آمده است که جبرئیل از طرف خدا و رسولش گفته است که از ابوبکر سؤال کن من از ابوبکر راضی هستم آیا او نیز از من راضی است؟ امام در پاسخ فرمودند: من منکر فضائل ابوبکر نیستم ولی کسی که این روایت را نقل کرده می‌بایست به روایتی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است حدیث‌شناسان آن را تأیید کرده‌اند نیز توجه می‌کرد که آن حضرت فرمودند نسبت دادن سخنان دروغ و ساختگی به من زیاد و از این پس هم زیادتر خواهد شد و کسانی که بر من دروغ بیندند جایگاه آنان پر از آتش خواهد شد.

هنگامی که حدیثی از من به شما می‌رسد، آن را به کتاب خدا و سنت عرضه کنید اگر با آن موافقت داشت آن را بپذیرید. اکنون این حدیث که نقل قول می‌کنی با کتاب خدا موافق نیست، زیرا خدا در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَمُ مَا

اشاره

مقاله حاضر در تبیین اقدامات ائمه اطهار علیهم السلام - در حفظ قول و سیره نبوی مربوط به درس هشتم کتاب دین و زندگی ۳ است.

چکیده

در ادامه بحث قبل، هدف آن است که میزان انطباق سیره و سنت امامان معصوم - اما م رضا علیه السلام، اما م جواد علیه السلام، اما م هادی علیه السلام - با سیره نبوی صلی الله علیه و آله و معیار شناخت حدیث صحیح مورد بررسی قرار گیرد. واضح است که منطبق بودن و تبعیت عملی از سیره نبوی گام مؤثر و بلندی در جهت حفظ سیره آن حضرت خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، سنت، قیام حسینی، پیامبر الگوی نیکو، تقیه و پیروی از سنت، معیار صحیح

۱. امام رضا علیه السلام در ضمن روایتی می‌فرمایند: «مَا شَهِدَ بِهِ الْكِتَابُ وَالسُّنَّةُ فَتَحَنُّ الْقَائِلُونَ بِهِ» (حیات فکری امامان شیعه: ۴۵۲) هر آنچه را که قرآن و سنت تأیید کنند ما می‌پذیریم و آن‌ها را می‌گوییم.

در این روایت امام این ملاک و معیار به دست ما می‌دهند که آنچه منسوب به ایشان است و خلاف قرآن و سنت نبوی است به دروغ ایشان نسبت داده شده است.

امام در راستای سیاست فرهنگی خود و ترویج فرهنگ قرآنی و فهم صحیح قرآن نقش مهمی داشتند که مجال بررسی آن در اینجا نیست و به اختصار به یک مورد اشاره می‌کنیم.

از جمله مسائل کلامی در عصر ایشان مسئله رؤیت خدا بود. عقیده‌ای که اشاعره برای حل آن راهی پیدا نکرده بودند و مانند اهل حدیث به رؤیت خدا

تُؤَسِّسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَيْلِ الْوَرِيدِ (ق/۱۶). حال با توجه به این آیه آیا خداوند از رضا و سخط (رضایت و نارضایتی) ابوبکر آگاهی ندارد و می‌خواهد از خود او بپرسند. (حیات فکری امامان شیعه: ۴۸۸-۴۸۷)

۳. در دوران امام هادی علیه السلام که مشکلات فکری از ناحیه غلات همچنان ادامه داشت در روشنگری اذهان جهت فهم دقیق قرآن و اصالت دادن به قرآن برای تشخیص احادیث درست از نادرست تلاش وافر داشتند. از امام در رساله مفصلی، که ابن‌شعبه حرانی از آن حضرت نقل می‌کند، بر اصالت قرآن تأکید دارند و می‌فرمایند: «اخبار دو دسته هستند نخست اخبار و روایاتی که حق است و باید مبنای عمل قرار گیرند و دسته دوم اخبار و احادیثی است که باطل‌اند و باید از عمل به آن‌ها اجتناب شود، چون اجماع قاطبه امت حقانیت قرآن است. در صورتی که قرآن بر روایتی صحه گذاشت اما گروهی آن را نپذیرفتند، باید بر صحت آن حدیث اعتراف کرد؛ زیرا اصل قرآن است. برای مثال، حدیث ثقلین با توجه به آیه ولایت و حدیث لاجبر و لا تفویض و لکن امر یبئن امرین با توجه به آیات متعدد قرآن مورد تأیید هستند.» (حیات فکری امامان شیعه: ۵۱۶)

قرآن حاکم بر حدیث (معیار شناخت حدیث صحیح)

پرداختن به پدیده تحریف معارف اسلامی و جعل احادیث، در بستر زمان یک حادثه تاریخی است و پرداختن به آن در این مقاله مختصر نمی‌گنجد. در کتاب دین و زندگی ۳ از جمله حوادث و مسائل فرهنگی، اجتماعی پس از رحلت رسول اسلام صلی الله علیه و آله نیز به این مسئله به‌صورت گذرا اشاره شده و امید است در یک مقاله جداگانه به آن پرداخته شود.

با توجه به آنچه گذشت، انطباق قول و سیره معصومین علیهم السلام با قول و سیره نبوی اثبات‌گرید اما حرکت فرهنگی مهم و اساسی ائمه علیهم السلام در حفظ قول و سیره نبوی شاخصه مهم دیگری داشت و باعث شد به‌رغم فرمان حکومتی ممنوعیت نگارش حدیث، که مدت‌ها ادامه پیدا کرد و باعث شد احادیث قطعی‌الصدور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کمتر در دسترس عموم قرار بگیرد، با حرکت مهم فرهنگی ایشان جبران شود و آن ارجاع احادیث به قرآن برای تشخیص حدیث صحیح از ناصحیح است که به اختصار سیره معصومین در این خصوص ذکر می‌گردد.

«پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای مقابله با تحریف لفظی سنت دوره پیش‌پای امت نهادند:

۱. مراجعه به قرآن به‌منظور شناخت احادیث سره از ناسره،

۲. مراجعه به اهل‌بیت، که حاملان اصلی قرآن هستند.» (تحریف‌ناپذیری قرآن: ۱۳)

تلاش‌های خستگی‌ناپذیر امام باقر علیه السلام سبب شد تا فقه شیعه

به اتکای احادیث رسول خدا و الهامات غیبی به قلوب ائمه اطهار علیهم السلام

زودتر از اهل سنت تدوین یابد. میراث فقهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مستقیماً

از طریق اهل بیت عصمت به ما رسیده است ولی اهل سنت احادیثی را

که از امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند معمولاً با اتصال سند آن از پدرش و پدرانش

به رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌رسانند. ولی شیعه به دلیل اعتقاد به علم و عصمت امام

نیازی به ذکر سند نمی‌بیند. امام باقر علیه السلام فرمودند: «هرگاه حدیثی را روایت

کردم و سند آن را ذکر نکردم سند من در چنین مواردی پدرم زین‌العابدین و از

پدرش حسین و از پدرش علی بن ابیطالب و از رسول خدا و از جبرئیل و پس از آن

از خداست.» (حیات فکری امامان شیعه: ۳۰۶) میراث شیعه مورد به مورد به قرآن

اتکا دارد. امام باقر علیه السلام در این مورد فرمودند: «إِذَا حَدَّثْتُكُمْ بِشَيْءٍ فَأَسْأَلُونِي عَنْ

كِتَابِ اللَّهِ: یعنی وقتی حدیثی برای شما نقل می‌کنم مطابقت آن را با کتاب خدا

از من سؤال کنید.» (حیات فکری امامان شیعه: ۳۰۷)

خلاصه آنکه قول و سیره معصوم حُجیت دارد؛ زیرا امام علم و عصمت دارد

و حدیث امام به‌طور مستقل پذیرفته است و گفتیم بینش اهل سنت در

خصوص احادیث معصومین - علیهم السلام - آن است که اتصال احادیث

آنان به پیامبر اسلام باشد و هر یک از امامان حکم یک محدث کارآمد

را دارد. لذا برخی از آنان اعتقاد دارند که امام مانند سایر محدثان

باید در محضر مشایخ حدیث استماع حدیث داشته باشد. امام

صادق علیه السلام نیز قرآن را بر حدیث حاکم می‌داند و قرآن را

اصل و حدیث را فرع می‌دانند و ملاک درستی یا

نادرستی حدیث را مطابقت با قرآن می‌دانند. امام

در نقل‌های مکرر فرمودند: «زمانی که حدیثی

به شما می‌رسد اگر شاهی از قرآن یا حدیث

رسول خدا بر آن بود بپذیرید در غیر این‌صورت

این حدیث برای همان کسی باشد که حدیث را

برای شما نقل کرده است.» و نیز فرمودند: «مَا

لَمْ يُؤَافِقْ مِنَ الْحَدِيثِ الْقُرْآنَ فَهُوَ زُخْرُفٌ، یعنی

حدیثی که مطابق با قرآن نباشد نادرست است.»

(حیات فکری امامان شیعه: ۳۵۵)

از امام رضا علیه السلام درباره معیار شناخت حدیث

صحیح نیز در این خصوص روایاتی است. ابوفره

از امام رضا علیه السلام سؤال می‌کند آیا شما روایات

را تکذیب می‌کنید؟ امام فرمودند: «إِذَا كَانَتِ

الرَّوَايَاتُ مُخَالَفَةً لِلْقُرْآنِ كَذَّبْتُهَا یعنی وقتی روایات

مخالف قرآن باشد آن را تکذیب می‌کنم.» (حیات

فکری امامان شیعه: ۴۵۵)

منابع

۱. بهرام‌پور، ابوالفضل؛ ترجمه و شرح واژگان قرآن، آوای قرآن، قم، ۱۳۹۱.
۲. جعفریان، رسول؛ حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، انصاریان، قم، ۱۳۸۶.
۳. معرفت، محمدهادی؛ ضیاء القرآن عن التحریف، ترجمه علی نصیری، تمهید، قم، ۱۳۸۸.

